

مذہبی‌های مذهب پارسی و تازی
فصلنامه تحقیقات تعلیمی و غنایی
زبان و ادب فارسی
دانشگاه آزاد اسلامی - واحد بوشهر
شماره پیاپی: دهم - زمستان ۱۳۹۰
از صفحه ۱۱ تا ۳۸

آموزه‌های دینی و اخلاقی در لائیه‌های مذهبی پارسی و تازی*

دکتر مهدی ممتحن^۱
دانشیار گروه زبان و ادبیات عرب،
دانشگاه آزاد- واحد چیرفت
و الهام خادمی^۲

چکیده

لائیه‌ها نخستین نمونه‌ی ادبیات شفاهی زنانه‌اند. یکی از درون‌مایه‌های لائیه‌ها، مذهب است که مادران به وسیله‌ی آن، تعالیم دینی و اخلاقی را به طور ناملموس به فرزندانشان می‌آموزند. برآنیم تا این تعالیم را در لائیه‌های پارسی و تازی را مورد بررسی قرار دهیم. می‌توان از جمله نقاط اشتراک لائیه‌های مذهبی پارسی و تازی از: در پناه خداوند قرار دادن فرزند، در پناه قرآن قرار دادن فرزند، دعا برای خواب خوش فرزند و تعالیم واجبات اسلامی نام برد. برخی از مضامین مختص لائیه‌های مذهبی پارسی شامل: دعا برای خدمت فرزند به آستان حضرت رضا (ع)، حضرت معصومه (س) و یا شاهچراغ (ع) می‌باشد. برخی از درونمایه‌های ویژه‌ی لائیه‌های مذهبی تازی عبارتند از: ذکر نام مکه یا کعبه، به کاربردن دو جمله لا اله الا الله و محمد رسول الله.

واژه‌های کلیدی: مادر، لائیه‌های مذهبی پارسی، لائیه‌های مذهبی تازی، دعا.

تاریخ پذیرش:

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۴/۹
۱۳۹۰/۸/۱۸

- ۱ - پست الکترونیکی: Dr.momtahen@gmail.com
- ۲ - دانش‌آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی، دانشگاه آزاد- واحد کاشمر (نویسنده مسؤول)
پست الکترونیکی: ek_khademi@yahoo.com

مقدمه

«لالائی‌ها از یک سو در حوزه ی ادبیات عامّه جریان دارند و از سوی دیگر در حوزه ی ادبیات کودکان شایسته ی درنگ و بررسی اند: بدان رو که در دل فرهنگ عامّه جوشیده اند و از درون عواطف توده های مردم برخاسته اند، به ادبیات عامّه مربوط می شوند و از آن رو که برای کودکان آفریده شده اند، با ادبیات کودکان پیوند دارند» (حسن لی، ۱۳۸۲: ۲) که دارای قدمتی به درازای تاریخ زندگی بشر هستند.

سؤالی که مطرح می شود این است که آیا میان لالائی های مذهبی فارسی و تازی، مضامین مشترک وجود دارد یا نه؟ با اندکی تأمل می توان پاسخ مثبت داد، زیرا دین نقطه ی اشتراک بسیاری از مادران فارسی و تازی است و آنها ناخودآگاه از آن متأثر شده و در ترانه ها و لالائی هایشان بدان پرداخته اند و زیرکانه و پنهان فرزندانشان را از جام دین و اخلاق سیراب نموده اند. مادران پارسی و تازی، دعا های فراوانی در غالب لالائی دارند که توسط آنها، در بند بند فرزند این را حک می کنند که باید همواره مطیع خداوند و بزرگان دین بود و از آنان طلب سلامتی، طول عمر و سعادت و نیاز داشت.

اهمیت این کار، جمع آوری لالائی های مختلف، اطلاع از منابع و اشاعه ی آن است تا این ترانه های سرشار از عشق و شعور مادران کم سواد و یا بی سواد روزگاران دور، ره به فراموشی نسپارند.

به علت عدم دسترسی به کتاب در زمینه ی لالائی های عربی بیشتر لالائی های عربی، از سایت های عربی به دست آمده است و از آن جایی که لالائی های گرفته شده از سایت های عربی به صورت نظرخواهی و به منظور گردآوری لالائی از عرب زبان ها بوده، مطالب گرفته شده دارای عنوان مشخصی نیست.

توضیحات مربوط به لالائی‌های مختلف، توسط نگارندگان بوده و در محدود مواردی از منبع استفاده شده که نام آن، در پایان توضیحات ذکر گردیده است. هر چند مطالب ارائه شده، نتیجه‌ی پژوهشی در حدود دو سال، با بررسی مطالب بسیار است اما به علت گستردگی کشورهای عربی، تنوع اقوام عربی و نیز تعدد خرده فرهنگ‌های فارسی، ممکن است استنباطی درست صورت نگرفته باشد که امید است خوانندگان فهیم، ما را از نظرات خویش بهره‌مند سازند. در این راه، استاد فقیدمان، - دکتر محمد نگارش - استاد گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه فردوسی مشهد، یاری فراوان دادند.

ساختار و قالب لالایی‌ها

وزن و موسیقی از ویژگی‌های برجسته‌ی لالایی‌های پارسی و تازی است. «لالایی‌های فارسی معمولاً از تکرار مصرع‌های کوتاه، موزون و مقفّی به وجود آمده است. به نظر می‌رسد دو بیتی، از پرکاربردترین این قالب‌ها باشد. همچنین می‌توان به برخی تک بیت‌های مثنوی گونه و یا تک مصرع‌هایی اشاره کرد که عمدتاً از تکرار پایه‌ی مفاعیلن در مصرع‌های متوالی به وجود آمده‌اند. برخی از قالب‌های پرکاربرد در لالایی‌های پارسی عبارت است از: تک بیت‌ها، دو بیتی‌ها، مثنوی گونه‌ها، سه مصرعی. ویژگی مشترک در تمام آنها وزن‌های شاد و اغلب ریتم‌های بحرهای کوتاه، سادگی بیان، استفاده از واژه‌ها و نام‌های نامانوس برای کودکان است. به عنوان نمونه، دوبیتی: لالا لالا، عزیز کبک مستم / میون کبک‌ها دل بر تو بستم / تموم کبک‌ها رفتن به بازی / من بیچاره پابند تو هستم. مثنوی: اولاً لالا، گل خشخاش / بابات رفته خدا همراهش / بابات رفته به گل چینی / می آره قند و دارچینی / که دارچینی گرون کردن / دل روژم (فرزندم) به خون کردن. سه

مصرعی یا سه خشتی: لالا لای لای، گل پسته / آفات
آمد کمر بسته / آورده از برات پسته.
بسیاری از لالائی‌ها دارای الزامات شعری
نمی‌باشند، ولی به کارگیری ریتم‌های خاص در
خواندن تا اندازه‌ای این نقص را برطرف نموده
است: لالای لای لای گل زیره / بوات رفته خورموج زن
بگیره / دل دیت جا نمی‌گیره / اگر مثل خومه داغش
نبینه / اگر به از خومه رگش بشینه. در واقع
اهمیت بُعد موسیقایی ست که در این‌گونه لالائی‌ها
بیشتر خودنمایی می‌کند و بسیاری از ضعف‌های
ساختاری را جبران می‌نماید و این خود
اساسی‌ترین وجه تمایز این قالب شعری با
صورت‌های دیگر آن است.» (جمالی، ۱۳۸۷: ۲۱-۲۴).
«در اهمیت این آوای معجزه آسا، از دم عیسیایی
مادران همین بس که استفاده از این آوا در بخش
مراقبت‌های ویژه کودکان، باعث کاهش تنش نوزاد
می‌شود و کمک بزرگی به تنفس و رشد نوزادان
نارس می‌نماید.» (امیری، ۱۳۸۷: ۱)

ضرورت پرورش دینی در کودکان

«برخی بر این عقیده‌اند که در زمان بدو تولد
و نوزادی، امکان تربیت دینی وجود ندارد، چرا
که مفهوم خدا و دین برای کودک قابل تصور
نیست، همچنین نوزاد نه تنها از عقل و هوش
کافی برخوردار نیست بلکه در برابر صداها عکس
العمل نشان نمی‌دهد، اشیاء و اشخاص را
نمی‌شناسد و مفاهیم کلمه‌ها و جمله‌ها را تشخیص
نمی‌دهد. با این اوصاف چنین استنباط می‌شود که
تربیت دینی در سال اول و دوم زندگی، برای طفل
امکان ندارد. ولی اسلام عقیده دارد که تربیت
دینی را باید از بدو تولد شروع نمود. در
توضیح نظریه‌ی نخست باید گفت: درست است که
نوزاد، معانی جملات را نمی‌فهمد و حواس او در
حدی نیست که اصوات و مناظر را تشخیص دهد ولی
جملات بر روی مغز و دستگاه ادراک تازه کار او
تأثیر می‌گذارد و به مرور با آنها آشنا می‌شود.

ما با هر لفظی بیشتر آشنا باشیم با معنای آن
مأنوس تر خواهیم بود.» (امینی، ۱۳۷۴: ۲۳۴-۲۳۹)

با توجه به آنچه گفته شد «عالی ترین
مراقبت؛ مراقبت روحی است که شخص، فرزند خود
را به اطاعت پروردگار تادیب نماید و از از
بدو تولد این کار را انجام دهد. پیامبر(ص)
فرمودند: کسی که دارای فرزند می‌شود اذان را
در گوش راست و اقامه را در گوش چپ او بخواند،
به درستی که او از شیطان رجیم در امان
می‌ماند.» (امین زاده، ۱۳۷۴: ۱۱۹-۱۲۰) «در اهمیت
این موضوع امام حسین(ع) فرمودند: احادیث
اسلامی را هرچه زودتر به فرزندان خود
بیاموزید، قبل از آنکه مخالفان بر شما سبقت
گیرند و دل‌های کودکان شما را با سخنان نادرست
اشغال نمایند.» (فلسفی، ۱۳۸۱: ۱۸۰)

«همان طور که علم، عدل، تفکر و تعقل برای
بشر ضروری است، اخلاق، فضیلت، ایمان و معنویت
که مایه‌ی تعالی روان است نیز حتمی است.
استعداد دینی، استعدادی اصیل در انسان است و
آن را به حس تقدیس و پرستش تعبیر می‌کنند. حس
پرستش یک حقیقت مافوق و منزه است که انسان
می‌خواهد در مقابل خداوند خضوع و مناجات
نماید.» (مطهری، ۱۳۶۷: ۶۹)

«دانشمندان غربی نیز به طور جدی به لزوم
تربیت دینی کودک معترفند. ریموند بیچ می‌گوید:
یقیناً تعلیمات اخلاقی مذهبی، بیش از سایر
مسائل بر عهده‌ی خانواده است، زیرا تربیت
بدون اخلاق، جز جنایتکار زیرک به بار نمی‌آورد.
و اگر کسی بخواهد اصول اخلاقی را بدون مذهب
بیاموزد مانند این است که بخواهد پیکری زنده
اما بدون نفَس، به وجود آورد.» (فلسفی ۱۳۸۱: ۱۷۷-
۱۷۸)

«تربیت دینی جزئی از تربیت در معنای عام
نیست، بلکه غایت تربیت و یا تربیت مطلوب
محسوب می‌شود. از همین روست که برخی معتقدند
تربیت دینی به طور اعم محدود به مسایل

۱۶ فصلنامه تحقیقات تعلیمی و غنایی زبان و ادب فارسی دانشگاه
آزاد اسلامی - واحد بوشهر - زمستان ۱۳۹۰، (ش.پ: ۱۰)

اعتقادی، معنوی و یا اخلاقی نمی شود، بلکه رفتار و اندیشه‌ی آدمی را در ابعاد فرهنگی، سیاسی، اعتقادی، اجتماعی، عاطفی و هیجانی در بر می‌گیرد و در یک کلمه شخصیت انسان را پوشش می‌دهد. تربیت دینی به معنای متخلق شدن به اخلاق الهی است که هدف بعثت تمام پیامبران است و قلمرویی به وسعت تمام شؤون زندگی انسان دارد.» (نوروزی، ۱۳۸۸: ۳-۴)

لالائی‌های مذهبی مشترک پارسی و تازی در پناه خداوند قرار دادن فرزند

در لالائی‌های پارسی و تازی نمونه‌هایی وجود دارد که در آنها مادران فرزندشان را در پناه خداوند قادر قرار می‌دهند تا از انواع ناخوشایندها در امان باشد و همواره به یاد داشته باشد که خداوند قدرت مطلق است. در لالائی فارسی مقابل، مادر می‌خواهد تا خداوند حافظ یگانه فرزندش باشد: «ستاله آسمون نکش زمین/ خودم انگشتر و رودم نگینه/ خداوندان نگینم را نگه دار/ که رود اول و آخر همینه» (سعیدی، ۱۳۸۶: ۶۴). در جای دیگر مادر از خداوند می‌خواهد تا فرزندش را از بلاها مصون دارد: «لالا لالا، گل مایی/ بیامد خانه مون دایی/ خداوند از بلا دارد/ به بوستان نو گل مایی» (خزاعی، ۱۳۸۴: ۲۴۸). در لالائی زیر مادر عربی فرزند را از دوران کودکی تا شب عروسی اش که بزرگ شده، از شر تمام موجوداتی که ممکن است به فرزندش آسیب برسانند به خدا می‌سپارد: «لا اله الا الله تحرسک/ فی منامک و لیله عرسک/ لا اله الا الله و انشوره/ عن الشیطان و حضوره/ لا اله الا الله و ماشاء الله/ تعمی عیون الحاره/ لا اله الا الله علیک/ و عین الله منتظره الیک/ و بعون الله لا شر/ ولا سوء یقدر علیک» (www.zzz.com)

در پناه قرآن قرار دادن فرزند

در برخی لالایی‌ها، مادران، فرزندشان را در پناه قرآن قرار می‌دهند تا از شر پلیدی‌ها در امان باشند و همیشه در سلامتی و شادی به سر برند. بدین‌سان به فرزندشان تعلیم می‌دهند که قرآن را به عنوان یک کتاب مقدس و راه‌گشا در بر داشته باشد: «اول، انا فتحننا باد یارت/ صراط المستقیم بادا حفاظت/ صراط المستقیم، سی جزء قرآن/ که او باشد حصار اندر حصارت» (مهاجر، ۱۳۸۶: ۶۵). در لالایی زیر مادر دعا می‌کند تا فرزندش در پناه و کمک سوره‌ی طاه، به سلامتی بخوابد: «للا لالا، بکن لالا/ که تا آفتاب میا بالا/ به حق سوره‌ی طاه/ بکن لالا، بکن لالا/ همون خورشید تابنده/ همون ماه درخشنده/ بکن لالا، بکن لالا» (خزاعی، ۱۳۸۴: ۱۹۵-۱۹۶)

در لالایی زیر، مادر قطری ابتدا به وحدانیت خداوند اذعان می‌کند و آن را در جان فرزندش می‌نویسند سپس از شر تمام موجودات به قادر بی‌همتا پناه می‌برد و در ادامه از ذات ربوی درخواست می‌کند تا به حق کبریایی خودش و صد و چهارده سوره‌ی قرآن، فرزندش در تمام طول عمر سالم در کنار او باشد: «أهوه، أهوه لا اله الا الله/ من شري و شر خلق الله/ بحق الله و حظوره/ و بحق امیه و اربعتشر سوره/ تحفظک لی لین تجامعت الاقدار» (سبیکه، خالد الخاطر، بی‌تا: ۸۶). نمونه‌ی مشابه دیگری نیز از زبان مادر قطری شنیده شده است: «لا اله الا الله/ منشوره عن الشیطان و حظوره/ امیه و اربعتشر سوره/ تحفظک لین تغلقت البیبان» (ممان)

سپردن فرزند به خواب فرو رفته به خداوند

گاهی مادران تازی و پارسی فرزند به خواب فرو رفته‌شان را به خداوند همیشه بیدار می‌سپارند تا در همه حال حتی در خواب در پناه قدرت‌ش باشد و به خاطر داشته باشد که در همه حال نیازمند قدرت اوست. مادر فارسی چنین زمزمه می‌کند: «لالا لالا، گل زردم/ نبینم داغ

۱۸ فصلنامه تحقیقات تعلیمی و غنایی زبان و ادب فارسی دانشگاه
آزاد اسلامی - واحد بوشهر - زمستان ۱۳۹۰ ، (ش.پ:۱۰)

فرزندم / خداوند تو ستاری / همه خوابند تو
بیداری / به حق خواب و بیداری / عزیزم رو
نگهداری» (مزرعتی، ۱۳۷۸: ۹۳) مادران سوری و لبنانی
این گونه می خوانند: «یا الله یا الله یا دائم /
تحفظ عبدک النائم / تحفظ عبدک و تجیرو / حتی
ینام فی سیرو»^۱ (عمر الدقاق، ۲۰۰۴: ۸۴)

ذکر نام حضرت ﷺ (ص)

در لائیه های مذهبی هر دو زبان، لائیه های
وجود دارد که مادران در آنها یا نام حضرت
ﷺ (ص) را ذکر می کنند و یا به وصف ویژگی های
ایشان می پردازند، البته در لائیه های فارسی
معمولاً نام حضرت ﷺ (ص) در کنار حضرت علی (ع) ذکر
شده و در معدود مواردی تنها به ذکر نام و یا
صفات حضرت ﷺ (ص) پرداخته شده است ولی در
لائیه های عربی با موارد متعددی روبه رو می شویم
که مادر تنها ذکر حضرت ﷺ (ص) را بر زبان جاری
ساخته است. نکته ی دیگر اینکه، در لائیه های
فارسی نام حضرت علی (ع) بیش از پیامبر (ص) دیده
می شود که در قسمت لائیه های مختص مادران پارسی
نمونه هایی از آن می آید.

در لائیه فارسی زیر، مادر حضرت ﷺ (ص) را چون
باغبانی می داند و فرزندش را به عنوان یکی از
گل های بوستان ﷺ (ص) معرفی می کند. او پیامبر (ص)
را سردار دین می خواند که نور پیامبری از جانب
پروردگار متعال به ایشان اعطا شده است. در
ادامه این نور را خورشیدی می بیند که آسمان و
زمین را روشن نموده است: «لالا لالی، گل احمد /
لالا لالی، گل باغ ﷺ / ﷺ در عرب سردار دینه / ﷺ
نور رب العالمینه / ﷺ که خدا پیغمبریش داد /
چراغ آسمان، شمع زمین» (جمالی، ۱۳۸۷: ۸۶). در
جای دیگر، مادر خداوند را به روح پیامبر (ص)
قسم می دهد تا نگه دار فرزندش باشد: «للا لالی
گهواره / که گهواره گرون باره / به حق روح
پیغمبر / خدا رودم نگه داره» (خزاعی، ۱۳۸۴: ۱۸۵)

(

در نمونه‌ی عربی زیر، مادر نام و یاد پیامبر(ص) را زیباترین و لذت بخش ترین نام‌ها می‌داند و معتقد است یاد پیامبر(ص) دواى قلب‌های بیدمار گناه است: «ذکر البني ما احسنو/ ذکر البني ما أحلاه/ و ذکر البني داعبو/ نسو قلب العلیل و ابراه^۷» (www.Khaledtrm.net). در نمونه‌ی دیگر مادر کویتی، پیامبر(ص) را به عنوان طوطیای چشمان و مخلوقی که چون او آفریده نشده، وصف می‌نماید: «یمه مجد زین ذکره زین/ مجد یا کحیل لعین/ یمه ما خلق مثله/ علی زینه و علی ذکره/ یا عین حبیبی نامی/ و تلذذی بالمنامی^۸» (www.qlyat.net) بدین سان، مادر طفلش را با اخلاق و صفات بزرگان دین آشنا می‌سازد.

۵-۴. ذکر نام حضرت زینب(س)

مادر فارسی چنین از حضرت زینب(س) سخن می‌راند: «لالا لالا، سر کوه بلن جنگ کرده زینب/ قبای میخکی رنگ کرده زینب/ قبای میخکی دکمش طلایی/ بر خون عاشقان رنگ کرده زینب» (خزاعی، ۱۳۸۴: ۲۶). در این قطعه، مادر گریزی به واقعه‌ی عاشورا می‌زند و شاید بی آنکه بخواهد، وقایع دینی را برای فرزندش بازگو می‌کند. در لالایی زیر مادر فلسطینی افتخار می‌کند که به دو بانوی بزرگ یعنی حضرت زینب(س) و حضرت رقیه(س) منسوب است: «هولانی یا هولانی/ راح الحج و خلانی/ خلانی بالبریه/ ستی زینب و رقیه/ هولانی یا هولانی/ ستی زینب بالخضره/ لافه لفه خضره/ هولانی یا هولانی^۹» (www.odabasham.net)

دعا برای خواب خوش، داشتن فرزند

دعای تمام مادران برای فرزندشان داشتن زندگی توأم با آسودگی است. در برخی از لالایی‌های عربی و فارسی این خواسته تا جایی پیش رفته که حتی مادران دعا می‌کنند آرا مش فرزندشان در خواب هم حفظ شود و خواب‌های خوش ببینند. مادر پارسی چنین می‌خواند: «لالا لالا، گل زیره/ تو را خواب خوشی گیره/ اگر گیره سحر گیره/ که مادر

۲۰ فصلنامه تحقیقات تعلیمی و غنایی زبان و ادب فارسی دانشگاه
آزاد اسلامی - واحد بوشهر - زمستان ۱۳۹۰، (ش.پ: ۱۰)

در بخل گیره» (مهاجر، ۱۳۸۶: ۴۱) و در جای دیگر
می‌خوانیم: «بخواب مادر که خواب خوش ببینی/
کبوترزاده و بلبل ببینی» (همان: ۱۰۳)

در لائئ عربی زیر، مادر دعا می‌کند تا
فرزندش خوابی آرام همچون خواب آهوان در دشت و
دمن و خواب آسوده‌ی حضرت علی(ع) در زمانی که
در خانه‌ی پیامبر(ص) زندگی می‌کردند و تحت تربیت
حضرت خدیجه(س) بودند، داشته باشد: «نام نومه
الهنیه/ نومه الغزلان فی البریه/ نومه علی و
خدیجه/ نام نومه الهنیه»^۱ (www.qAyat.net). در
نمونه‌ی زیر، مادر عربی چنان عاشقانه فرزند را
می‌ستاید که به جای اینکه فرزند را طالب سلامتی
بداند، سلامتی را شیفته‌ی فرزندش معرفی می
کند! «نام نومه العوافی/ و تمشی لک حوافی»^۲ (www.afaqdubai.com)

۷-۴. دعا برای بزرگ شدن و کمک دست بودن فرزند

در برخی موارد مادران تازی و پارسی، از
پروردگار می‌خواهند تا کودکشان بزرگ شود و در
ایام سال‌خوردگی و ناتوانی به آنها کمک نماید
و به قول معروف عصای روزگار پیری آنها باشد.
این چنین مادر به فرزند می‌آموزد که باید
قدردان زحمات فراوان او و افرادی که خدمتی به
او می‌کنند، باشد. مادر ایرانی می‌گوید: «لالا
لالا، بکن تا سن پیری/ الهی پیر شوم دستم
بگیری» (انجوی شیرازی، ۱۳۴۸: ۶۴). مادر فلسطینی نیز
از خدا می‌خواهد تا پسرش بزرگ شود و کمک دست
او باشد: «یا رب تکبر ابنی/ و یقضی لنا
الحاجه/ روحی یا حمامه/ و تعالی یا حمامه/ یا
رب ینام ابنی/ و یقوم بالسلامه»^۳
(www.odabasham.net)

دعا برای سلامتی فرزند

در برخی لائئ ها مادران دعا می‌کنند که
فرزندشان هیچ‌گاه بیمار نشوند، او را به خدا
سپرده و دعای سلامتی او را بر لب جاری
می‌سازند، آنها به فرزند خاطر نشان می‌کنند که

سلامتی موهبتی از جانب خداوند است. در لالائی زیر، گویی طفل دچار درد چشم شده و مادر می‌خواهد با استفاده از میل کوچک سربی که اعتقاد بر خنک بودن آن داشتند - برعکس میل چوبی که گرم است و چشم درد می‌آورد - سرمه به چشم فرزند بکشد و او را مداوا کند و سپس او را به خدا می‌سپارد: «لالا لالا، گل نیللو/ که بر چشمت کشم میللو/ همان میلو شفا باشد/ نگه دارت خدا باشد» (سلیمی، ۱۳۸۸: ۴۰). در جای دیگر مادر ادیبانه از تعبیر "گل خاش خاش" برای خطاب فرزند بهره برده است. از آنجا که از ثمره‌ی گیاه خشخاش به عنوان پادزهر در درمان بیماری‌ها استفاده می‌شود، هماهنگی زیبایی میان آن و بیماری ایجاد شده است: «لَ لَ لَ لَ، گل خاش خاش/ الاهی نَرَوی ناخاش/ اگر خواهی روی ناخاش/ خدا خودش نگه دار باش» (جاوید، ۱۳۷۰: ۷۰)

در نمونه عربی زیر مادر دعا می‌کند که هر روز سلامتی از جانب خداوند، روزی فرزندش باشد: «یا الله ریمه تنام/ یا الله یجیدها النوم/ یا الله تجیدها العوافی/ کل یوم بیوم»^{۱۳} (عمر الدقاق، ۲۰۰۴ م: ۸۵). مادر عراقی نیز دعا می‌کند تا خداوند فرزندش را سلامت نگه دارد: «تنام و أنا إهدی لک/ و العافیة من الله تجی لک/ یا طیور و یا حمام/ دعو حَمودی تاینام»^{۱۴} (ابوسعبد، ۱۹۸۲ م: ۲۸)

دعا برای باسواد شدن فرزند

در لالائی‌های فارسی بسیار دیده می‌شود که مادران آرزوی باسواد شدن فرزندشان را دارند که نشان از اهمیت تحصیل فرزند، برای خانواده‌های ایرانی از روزگاران دور دارد. همچنین می‌توان به قدمت سواد آموزی و وجود مکتب‌خانه در ایران پی برد. در لالائی زیر مادر دعا می‌کند تا فرزندش بزرگ شود و با در دست داشتن قرآن روانه‌ی مکتب‌خانه شده و در فراگیری قرآن و تحصیل علم بر دیگران پیشی

گیرد: «لالا لالا، کلونک شی^{۱۰} / به کوچه ها روونک شی / کلام الله بغل گیری / به مکتب شی، سبق گیری^{۱۱}» (مهاجری، ۱۳۸۶: ۴۴). از این قطعه مشخص می‌شود که کتاب اصلی‌ای که در مکتب خانه‌ها تدریس می‌شده، قرآن بوده و توانایی قرائت آن توسط فرزندان برای خانواده‌های مذهبی ایرانی مایه‌ی مباهات بوده است. در جای دیگر مادر دعا می‌کند که فرزندش در آینده به عنوان شخصی باسواد که در قدیم بدان "ملا" می‌گفتند به دیگران سواد بیاموزد: «لالا لالا، که لالات بی بلا بی / خودت ملا قلمدونت طلا بی» (زرگر ج ۱، ۱۳۸۴: ۶۸۳). از جمله‌ی "قلمدونت طلا بی" می‌توان دریافت که مادر علاوه بر اینکه دعا می‌کند تا فرزندش ملا شود، دعا می‌کند تا شخصی متمول هم باشد و چنین ارزش‌های اجتماعی را با جان او می‌آمیزد.

حکایت زیر تنها نمونه‌ی عربی دیده شده در این زمینه است: یکی از اساتید الازهر که نامش خضر است چنین نقل کرده که مادرش در زمان کودکی او را با این لائیی می‌خوانده است: «یا خضر یا خضر / ان شالله تکبر / و تصیر یا خضر / شیخ الازهر^{۱۲}. سال‌ها بعد آرزوی مادر به تحقق می‌پیوندد و او تنها استاد تونسی دانشگاه الازهر می‌شود» (www.albahaedu.gov.sa). این‌گونه است که مادر می‌تواند از طفولیت روح و روان فرزندش را به سوی خوبی‌ها و کمال سوق دهد.

لائیی‌های نفرین

در خلال لائیی‌های مذهبی عربی و فارسی لائیی‌هایی وجود دارد که مادران زبان دعا را برای نابودی دشمنان فرزند چرخانده‌اند تا فرزند با آرامش و آسایش گذران عمر کند. در اصطلاح به این نوع دعاها "نفرین" گفته می‌شود. در لائیی فارسی زیر، مادر از خدا می‌خواهد تا دشمن فرزندش گرفتار تیر خزان شود و چون کفگیر سوراخ دار، سوراخ سوراخ شده و از بین رود: «الله بگم خدا تو را پیر کند / دشمن تو را نشانه‌ی

تیر کند/ دشمن تو را نشانه‌ی تیز خزان/ چشمه چشمه، مثال کفگیر کند» (مهاجری، ۱۳۸۶: ۴۲). در نمونه‌ی زیر مادر تمام خوبی‌ها را برای فرزندش می‌خواهد و تمام بدی‌ها را برای دشمن فرزندش: «للا لالای، گل اوشن^{۱۸}/ که شب تاریک و روز روشن/ که روشنایی برا رودم/ که تاریکی بش^{۱۹} دشمن» (خزاعی، ۱۳۸۴: ۱۶۳)

لالائی قطری زیر بی ارتباط با دو لالائی پارسی بالا نیست، با این تفاوت که مادر وارد جزئیات شده و تمام اموری را که هر کدام به تنهایی می‌تواند یک زندگی را مختل کند برای دشمن فرزند طلب دارد: «هلولو هلولو من دقج یا عینی/ یعمی من الثنتین/ و یطلق ام عیاله/ و یکثر علیه الدین/ هلولو هلولو/ من دقج یا شکر/ لاعاش فی حی ذکر/ الا العجوز و بنتها/ و الشایب محنی الظهر/ هلولو هلولو/ من دقج جاته جاته سبع بناتی/ رزق البنات حویر/ جاه النجاز و ماتی^{۲۰}» (سبیکه، خالد الخاطر، بی تا: ۸۸-۸۹)

در لالائی‌های نفرین فارسی و عربی نمونه‌هایی دیده می‌شود که مادران می‌خواهند چشم حسودان فرزندشان کور شود. اعتقاد مسلمانان بر این است که چشم شور باعث زخم چشم و آسیب رسیدن می‌شود. در قرآن، سوره‌ی قلم آیه‌ی ۵۱ به صراحت بدین نکته اشاره شده است. همچنین «پیامبر(ص) تعویذی برای امام حسن(ع) و امام حسین(ع) خواندند و به اصحابشان نیز فرمودند تا فرزندانشان را با آن کلمات از شر چشم زخم در امان بدارند» (قمی، ۱۳۷۹: ۵۳۸). در لالائی زیر مادر می‌خواهد در چشم بدخواه فرزند فلفل ریخته شود تا با کور شدن، به موقعیت او رشک نبرد: «لالا لالا، عزیز دل/ حسید^{۲۱} تو بیزد زیر گل/ به چشم بد بریز فلفل/ بخواب قربون عزیز دل» (جمالی، ۱۳۸۷: ۳۶). لالائی عربی زیر شباهت بسیاری با لالائی بالا دارد: «نامی یا ملانه نوم و یا عین/ الحسود ملانه بصل و ثوم^{۲۲}» (www.odabasham.net)

نکته‌ی جالبی که مختص لائیه‌های لعن فارسی می‌باشد، این است که مادر از شیوه‌ی لعن همیشگی خویش - لعن دشمنان - روی گردانده و این بار زنی را که می‌خواهد هویش شود و یا هویش است را آماج نفرین خود قرار می‌دهد و آرزوی مرگش را دارد: «لالا لالا، گل زیره / بابات رفته زنی گیره / دعای مو همه هست در شو^{۲۳} و روز / زن بابایت ان‌شالله بمیره» (مهاجری، ۱۳۸۶: ۶۰) و در جای دیگر می‌خوانیم: «لائیه لائی گل زیره / بابات رفته زنی گیره / خدا کنه سرنگیره / زنش نیمه‌ی راه بمیره» (عمرانی، ۱۳۸۱: ۹۳)

تعلیم واجبات دینی

یکی دیگر از ویژگی‌های لائیه‌های مذهبی این است که مادران از همان دوران نوزادی به طور مستقیم و یا غیر مستقیم باورهای مذهبی را به فرزندانشان می‌آموزند. آنها به فرزندانشان می‌گویند که مسلمان اند و باید احکام اسلامی را رعایت کنند. آنها می‌خواهند فرزندشان نماز بخواند تا جام توحید جرعه جرعه، تا زمان رسیدن به سن تکلیف بر جان‌شان نوشانده شود و یا روزه بگیرند. در لائیه‌ی زیر مادر می‌خواهد فرزندش برای نماز خواندن - شاید نماز صبح - بیدار شود: «لالا لالا، که این کوچه درازه / که این میرپنج من در خواب نازه / لالا میرپنج من حرکت بدادند که بیدار شو، الان وقت نمازه» (مهاجری، ۱۳۸۶: ۶۲). مادر دیگری دعا می‌کند تا روزی فرا رسد که نماز خواندن فرزندش را ببیند: «بخواب ای کودکم وقت نماز است / و حالا نوبت راز و نیاز است / نماز از واجبات دینی ماست / عبادات خجسته خوب و زیبا است / خدا حفظت کند ای نازنینم / که روزی من نمازت را بدینم» (همان: ۱۰۴)

لائیه‌ی زیر یکی از شایع‌ترین لائیه‌های لبنانی است: «یا الله ریمه تنام / یا الله یجیها النوم / یا الله تحب الصلاه / یا الله تحب الصوم^{۲۴}» (عمر الدقاق: ۲۰۰۴ م: ۸۵). در این لائیه مادر با درایت هرچه

تمام به دخترش تعلیم می‌دهد که وقتی بزرگ شد، باید نماز بخواند و روزه بگیرد. بدین منظور از واژه‌ی "دوست داشتن" برای ایجاد علاقه نسبت به این دو فریضه بهره برده است؛ واژه ای که در زمان علاقه‌ی شدید به شخصی و یا شی‌ای به کار برده می‌شود. مادر این‌گونه به او می‌آموزد که باید تکالیف دینی را از روی علاقه و میل انجام داد نه اجبار و عادت. مادر پروردگار را مخاطب قرار داده و در برابر قدرت‌ش از دخترش تمجید می‌کند تا او با لذت بردن از سخنان مادر، امور دینی در وجودش نهادینه شود.

طلب یاری مادران از خداوند برای خودشان

گاهی مادران پارسی و تازی در خلال لالایی‌ها علاوه بر دعا برای فرزند، برای خود نیز از خداوند استمداد می‌جویند. بدین صورت به او تعلیم می‌دهند تا در زندگی همواره دست‌نیاز به سوی کریم بی‌نیاز دراز کند. در لالایی زیر مادر ذکر خداوند بر لب داشتن را رمز درمانده نشدن خود در کارها می‌داند: «نام الله را^{۲۰} بخوانم/ شاید که در نمانم/ بخواب لالا به دست راست/ تو بیدار شو به راه راست» (مهاجری، ۱۳۸۶: ۴۳). در این لالایی، مادر به طفلش یکی از آداب خوابیدن در میان مسلمانان را که «دراز کشیدن به طرف راست در زمان خوابیدن است» (قمی، ۱۳۷۹: ۲۱۵) را تعلیم می‌دهد. لالایی زیر حاکی از سرگشتگی‌های بسیار مادر است که فقط رحمت خداوند می‌تواند او را از این حالت نجات دهد: «ای الله خدای م/ در واگُ برای م/ در واگُ که حیرانم/ که سر گشته پریشانم» (خزاعی، ۱۳۸۴: ۶۸)

نمونه‌ی عربی زیر حاکی از احتیاج مادر به عنایت پروردگار است. مادر سوری هرچند به لطف و مهربانی پروردگارش ایمان دارد ولی برای تأکید بر نیاز خویش از خداوند می‌خواهد تا او را از فضل خویش فراموش نسازد: «او لَلا یا اولانی/ او لَلا یا اولانی/ یا ربّی لا تنسانی/ من

فضلک یا رحمانی^{۲۶}» (ابوسعبد، ۱۹۸۲م: ۲۲). بدین سان، مادر خداوند را تنها مشکل گشا به فرزند معرفی می کند.

لائئیهای مذهبی مختص مادران پارسی به کار بردن واژهی الله

در برخی لائیهای مادران ایرانی بر خلاف همیشه که معمولاً لائیه خود را با «لالا لالا، گل...» شروع می کردند با مصرعی که در آن ذکر "الله" وجود دارد آغاز نموده اند. در نمونهی زیر مادر معتقد است، با زمزمهی نام "الله" در های رحمت پروردگار گشوده می شود و این مطلب را به طفش فرا می دهد: «الله گویم که الله ات خوش آید/ در خیری به روی تو گشاید/ در خیری به روی جمله خلقان/ در رحمت به روی تو گشاید» (مهاجری، ۱۳۸۶: ۴۰). در جای دیگر مادر خدا را به حق غم های سینه سوز حضرت علی (ع) قسم می دهد تا نگذارد مصیبت سراغ افراد آید و دعاها را نیز مستجاب نماید: «هی الله و هی اکبر/ به سوز سینهی حیدر/ بگردانی بلاها را/ نگردانی دعاها را» (خزاعی، ۱۳۸۴: ۶۲)

ذکر نام حضرت محمد (ص) و حضرت علی (ع) در کنار یکدیگر

گاهی در لائیهای نام حضرت محمد (ص) و حضرت علی (ع) در کنار یکدیگر مشاهده می شود که به خاطر شیعه بودن بیشتر مردم ایران و ارادت خاص آنان به امیرالمومنین (ع) است: «به دور میخ تک^{۲۷} رودم حصاره/ خودش پولاد و جایش راه نداره^{۲۸} / کلیدش مکه و قفلش مدینه/ به دست ملائکه پروردگاره/ علی شیرخدا لشکر کشیده/ به دور قلعه خیور^{۲۹} رسیده/ علی رنگ گل و گوهر گرفته/ نگین از دست پیغمبر گرفته/ علی شیر خدا شمشیر دین زن/ محمد خیمه بر روی زمین زد/ پس پرده نشست مولای مهیا^{۳۰} / سخن همراي رب العالمین زد» (جاوید، ۱۳۷۰: ۴۲). در این لائیه ابتدا مادر می گوید که گهوارهی فرزندش دارای حصار محکم و نفوذ ناپذیر است و

کلید آن مکه و مدینه می‌باشد. هرچند تعبیری بسیار دور از ذهن می‌باشد اما به نظر می‌رسد قصد مادر از مکه، خداوند و از مدینه، پیامبر(ص) می‌باشد. او چنین زیبا تنها با به کار بردن نام دو مکان مقدس خداوند را به عنوان قدرت مطلق و پیامبر(ص) را به عنوان برگزیده‌ی پروردگار، حافظان فرزند می‌داند که با حضور آنها هیچ نیرویی نمی‌تواند به فرزندش آسیب برساند. سپس تلمیحی زیبا به واقعه‌ی فتح قلعه‌ی خیبر توسط حضرت علی(ع) دارد و ایشان را به عنوان فردی شجاع و مبارز در برابر دشمنان توصیف می‌کند که با رشادت‌های ایشان پیامبر(ص) توانستند دین اسلام را گسترش دهند. دیگر مادری، چنین نسبت به پیامبر(ص) و حضرت علی(ع) اظهار ارادت می‌کند: «که ای لالا، لالایی/ سحرگاهی رسیدم با سری پل/ قدم گاه علی و سُمب^{۳۱} دُل دُل^{۳۲} / عرق در سینه‌ی پاک / به قربون عرق‌های / چکیده و^{۳۳} زمی^{۳۴} / حاصل شده گل^{۳۵}» (خزاعی، ۱۳۸۴: ۴۸)

ذکر صفات حضرت علی(ع)

به علت رسمی شدن مذهب شیعه در ایران از دوره‌ی صفویه به بعد، لالایی‌های بسیاری دیده می‌شود که در آنها نام حضرت علی(ع) به کار رفته است. در این لالایی‌ها مادر به ذکر صفات حضرت پرداخته، فرزند را در پناه ایشان قرار می‌دهد و یا از حضرت طلب یاری می‌کند. به علت تفاوت مذهب میان بیشتر ایرانیان و اعراب، لالایی‌هایی با چنین مضمون در ادبیات عربی کم است. مادران ایرانی سعی دارند تا از کودکی، فرزندشان را با حضرت علی(ع) آشنا سازند. آنگاه که بر زمین می‌خورد به او می‌گویند تا، یا "علی گویان" از جایش برخیزد و یا هرگاه می‌خواهد شی سنگینی را بلند کند به او متذکر می‌شوند تا با ذکر "یا علی"، آن را بردارد. در داستان‌های کهن فارسی نیز قهرمانان در مواقع سختی با ذکر "یا علی" و استمداد از ایشان بر

مشکلات فائق آمده‌اند. در لائئ زیر مادر حضرت را به عنوان مشکل گشا در مواقع سختی‌ها به فرزند معرفی می‌کند: «اولا لای، خدای من/ علی مشکل گشای من/ به هر دردی که در منم/ علی مشکل گشا دونم» (جمالی، ۱۳۸۷: ۳۷). در لائئ زیر مادر به بیان صفات و اصل و نسب حضرت، برای فرزند می‌پردازد: «لالا لالا گل دسته/ کمر تو را علی بسته/ علی حیدر، علی صفر/ علی اولاد پیغمبر» (مهاجری، ۱۳۸۶: ۳۹). در جای دیگر مادر حضرت علی(ع) را حلال مشکلات می‌داند و از ایشان طلب دارد تا به پابوسی امام حسین(ع) نائل شود: «لالا لالا، که لالایت می‌آیه/ امیرالمؤمنین بالایت می‌آیه/ امیرالمؤمنین دردم دوا کن/ نصیب و قسمتم در کربلا کن» (جمالی، ۱۳۸۷: ۸۷). در نمونه‌ی زیر مادر از خداوند و حضرت علی(ع) برای فرزند استمداد می‌جوید: «ألا لالا خدا یارت/ علی باشه نگه‌دارت/ نگه‌دارت خدا باشه/ علی مشگل گشا باشه» (لریمر، ۱۳۵۳: ۱۲). در میان لائئ‌های عربی، نمونه‌ای بسیار مشابه با محتوای لائئ‌ی بالا وجود دارد: «دللول یمه دللول/ وینطرج علی/ و یحرسج الله^{۳۶}» (www.alsabaah.com). در میان لائئ‌های عربی بسیار گردآوری شده، نمونه‌ی بالا تنها موردی بود که نام حضرت علی(ع) در آنها ذکر شده بود.

ذکر حضرت رضا(ع)

از لائئ زیر استنباط می‌شود که مادری در منطقه‌ای دورتر از مشهد آن را سروده، چرا که دعا می‌کند تا فرزندش به پابوسی حضرت رضا(ع) نائل شود و در آنجا به عنوان جاروکش مشغول خدمت به حضرت و زائران ایشان باشد. از دعای مادر برای جاروکش شدن فرزند مشخص می‌شود که این لائئ برای فرزند پسر خوانده می‌شده است: «لالا لالا، به مشهد ری/ به پای تخت حرصت^{۳۷} ری/ اگر حرصت بفرمایه/ تو جاروکش مرقد ری^{۳۸}» (عمرانی، ۱۳۸۱: ۷۳). در جای دیگر مادر فرزندش را ابتدا به خدا و بعد حضرت رضا(ع) می‌سپارد:

«لالا لالا، خدا یارت/ امام رضا نگهدارت/ امام رضا و قندیلش/ نگه دار تو و مارت» (جمالی، ۱۳۸۷: ۶۱)

کنیز یا غلام حضرت معصومه (س) شدن

لالائی زیر به دو صورت دیده شده است، اگر فرزند دختر است مادر آرزوی کنیز حضرت معصومه (س) شدن را دارد و اگر پسر است دعا می‌کند به عنوان غلام به خدمتگزاری حضرت بپردازد: «لالایت می‌کنم که زنده باشی/ غلام (کنیز) حضرت معصومه باشی/ غلام (کنیز) حضرت معصومه قم/ که تا صبح قیامت زنده باشی» (مهاجری، ۱۳۸۶: ۷۵). نکته ای که دیده می‌شود این است که مادر خدمتگزاری به حضرت رضا (ع) را محدود به فرزند پسرش می‌کند ولی در لالائی‌هایی که نام حضرت معصومه (س)، وجود دارد به علت بانو بودن ایشان هم برای پسر و هم برای دختر خوانده می‌شده است. در جای دیگر مادر ادیبانه حضرت معصومه (س) را بانوی شهر قم معرفی می‌کند: «لالا لایی، درخت آلبالو/ لالا لایی، غلام شهر بانو/ غلام حضرت معصومه قم/ زیارت می‌کنم هر صبح و هر شوم» (جمالی، ۱۳۸۷: ۸۶)

خدمتگزار حضرت شاهچراغ (س) شدن

در لائئیی زیر هرچند مادر به طور واضح بیان نداشته که فرزندش خدمتگزار حضرت شاهچراغ (س) باشد ولی در مصرع " بیایم شاهچراغ گیرم سراغت" مشخص می‌شود که فرزند باید همیشه آنجا باشد تا مادر بتواند در آنجا او را ملاقات نماید و این حضور همیشگی مستلزم خدمت همیشگی او به حضرت است: «لالا لالا، بکن الله یارت/ بیایم شاهچراغ گیرم سراغت» (عمرانی، ۱۳۸۱: ۲۱)

دعا برای همسر

در بین لائئیی‌های دعایی پارسی، لائئیی‌هایی دیده می‌شود که از روال همیشگی خود خارج می‌شوند و مادر به جای اینکه چون همیشه برای فرزند دعا کند، برای همسر در سفرش لب به دعا می‌گشاید و او را به پروردگار قادر می‌سپارد. تمام نمونه‌های دیده شده با این مضمون با "عبارت لالا لالا، گل خشخاش/ بابات رفته خدا همراهش" شروع شده است: «لالا لالا، گل خشخاش/ بابات رفته خدا همراهش/ اگر بابات ز حال من بدونه/ خودش مرغی کنه به مور سونه» (مهاجری، ۱۳۸۶: ۱۰۲). در این لائئیی رابطه‌ی شدید عاطفی، میان پدر و مادر به خوبی مشهود است؛ چرا که مادر در فراق همسر بی‌تاب است و از تجربه‌ی گذشته‌اش چنین استنباط می‌کند که اگر شوهرش از بی‌قراری او مطلع باشد به علت علاقه بسیار به او، به سریع‌ترین حالت ممکن یعنی پرواز خودش را به او می‌رساند! در جای دیگر این گونه دعا می‌کند: «اولا لالا، گل خشخاش/ بابات رفته خدا همراهش/ بابات رفته به گل چینی/ می آره قند دارچینی/ که دارچینی گرون کردند/ دل رودم به خون کردند» (جمالی، ۱۳۸۷: ۳۸-۳۹). به جای عبارت "بابات رفته به گل چینی"، "بابات رفته به هل چینی" هم آمده است. در این جا مادر همسرش را که گویی برای تجارت از خانه دور است به خداوند می‌سپارد. «با توجه به اینکه کشت هل هرگز در ایران

مرسوم نبوده و از سوی دیگر عده‌ای از مردم صفحات جنوبی ایران برای کار به هندوستان می‌رفتند، مؤید این نکته است که پدر از هندوستان دارچین با خود به سوغات می‌آورد، چرا که تنها محل کشف آن هندوستان و نواحی مجاور است. همچنین در آن اشاره به واردات قند، به ایران و گران شدن آن، شده است. تا اوایل قرن پنجم هجری، صنعت قند سازی در ایران در اوج عظمت بود و از این قرن به بعد در اثر خرابی سدها و رقابت شکر تولیدی در سوریه و جاهای دیگر، تدریجاً از اهمیت افتاد ولی دوباره در اواسط قرن هفتم، کم و بیش شکر برای مصارف محلی تولید می‌شده است. سرانجام در اواخر قرن هشتم و یا اوایل قرن نهم هجری این صنعت به کلی از بین رفت. اولین کارخانه‌ی قند سازی در دوره‌ی جدید در ایران در سال ۱۸۹۰م، ۱۲۷۰ه.ش در کهریزک فعلی در ۲۱ کیلومتری تهران تاسیس شد. یعنی ایران از اواخر قرن پنجم تا دوره‌ی اخیر وارد کننده‌ی قند بوده و یکی از عمده صادرکنندگان قند به ایران، هندوستان بود.» (عمرانی، ۱۳۸۱: ۴۴-۴۵) در نمونه‌ی زیر گویی پدر در روز عید قربان به مهمانی رفته و مادر او را به خدا می‌سپارد تا به سلامت باز گردد. همچنین در انتظار آوردن گوشت قربانی نیز هست: «لالا لالا، گل خشخاش/ بابت رفته خدا همراهش/ بابت رفته به میمانی/ بیاره گوشت قربانی/ لالا لالا، گلم لالا» (خزاعی، ۱۳۸۴: ۶۲). نمونه‌ی زیر بسیار شگفت انگیز است، زیرا مادر با وجود اینکه می‌داند شوهرش رفته تا هوو بر سرش بیاورد، باز هم برایش دعا می‌کند تا خداوند پشت و پناهِش باشد: «لالا لالا، گل خشخاش/ بابت رفته خدا همراهش/ بابت رفته زنی گیره/ کذیز صد تِمن گیره^{۳۹}» (همان: ۱۴)

دعا برای عمر طولانی داشتن فرزند

در میان ایرانیان، دعا در حق یکدیگر برای داشتن عمر طولانی از روزگار دور تاکنون بسیار دیده می‌شود. به عنوان مثال هرگاه شخص جوانی برای فردی سن و سال گذشته کاری انجام دهد او در پاسخ به او می‌گوید: ان شاء الله پیر شوی و یا وقتی شخصی کهن سال، تازه عروس و دامادی را می‌بیند دعا می‌کند که به پای یکدیگر پیر شوند. در لائیی زیر مادر دعا می‌کند که فرزندش عمر طولانی داشته باشد: «مو لالات می‌کنم ای رود نازی/ خدا با تو بوده عمر درازی» (سفیدگر، ۱۳۸۷: ۷۶). در جای دیگر مادر از خدا می‌خواهد تا فرزندش صد ساله شود ولی صد سال در نظرش ناچیز جلوه می‌کند و می‌گوید ان شاء الله هزار ساله شود: «لالا لالا، لالا لالا/ که صد سَلَه ری ان شاء الله/ که صد سَلَه^۴ چیزی نییه^۴ / هزار سَلَه ری ان شاء الله» (خوشدل، ۱۳۷۷: ۲۸۷). در لائیی زیر مادر علاوه بر اینکه می‌خواهد فرزندش عمر طولانی داشته باشد دعا می‌کند این طول عمر همراه با ثروت و مکننت باشد و یکی از ائمه که نام ایشان مشخص نیست دستگیر او باشد. البته از آنجا که این لائیی جز لائیی های منطقه‌ی خراسان است به احتمال زیاد منظور مادر از حضرت، امام رضا (ع) است: «ای الله و ای الله/ به پیری رسی ان شاء الله/ که به پیری با دولت/ دست تو ر گیره حضرت (مهاجری، ۱۳۸۶: ۶۰). در جای دیگر چنین آمده: کلام الله تو پیرش کن/ خط از قرآن نصیبش کن» (جمالی، ۱۳۸۷: ۳۷). مادر به فرزند می‌آموزد که عمر طولانی، نعمتی است که باید از خداوند طلب نمود.

دعا برای داماد کردن پسر

مادر پارسی بر خلاف مادر تازی که همواره آرزو دارد تا دخترش را عروس کند و از دامادی پسرش حرفی به میان نمی‌آورد، در کنار صحبت از عروسی دخترش، دعای دامادی پسرش را نیز بر لب دارد: «لالا لالا، گل گندم/ الهی حمله ات بندم» (مهاجری، ۱۳۸۶: ۹۹). در جای دیگر مادر لائیی را

به نام پسرش مُهر زده و دعا می‌کند تا به یاری خداوند مراسم دامادی او را برپا کند: «لالا لالا، علی مامل/ ببندم تخت از صندل/ اگر الله کند یاری/ ببندم تخت دامادی» (جمالی، ۱۳۸۷: ۴۴)

دعا برای بهبود اوضاع زندگی

در میان لانی‌های پارسی، لانی‌هایی وجود دارد که اشاره به اوضاع نامناسب زندگی دارد و مادر دعا می‌کند تا گرفتاری‌ها تمام شود و به آرامش دست یابد: «لالا الله، لالا قادر/ منم بنده‌ی خدا حاضر/ به این دنیای در بسته/ در را وا کن خدا آخر» (مهجری، ۱۳۸۶: ۴۴). لانی زیر حاکی از اوضاع نامناسب اقتصادی خانواده است. مادر به رحمت خداوند امیدوار است و از فرزندش می‌خواهد تا در نیمه‌ی شب با یکدیگر دست دعا به سوی خداوند بردارند و از او طلب یاری کنند. یکی از مواقع سفارش شده برای اجابت دعا، نیمه‌ی شب است. مادر چنین، این نکته و امید به رحمت پروردگار را به فرزند آموزش می‌دهد: «لالا کن لاله‌ی سر در گریبان/ که یک روز زندگی می‌گیره سامان/ بلند شو نصف شب با من دعا کن/ دو دست کوچک رو بر خدا کن» (همان: ۵۱). در لانی‌های حزن‌انگیز زیر نهایت غم مادر و گرفتاری‌های بسیار او موج می‌زند، او در این لحظات از خداوند قادر می‌خواهد تا او را از غرق شدن در مصیبت‌های زندگی برهاند: «خدای من، خدای من/ به حق بشنو صدای من/ به حق بشنو مرادم ده/ از این غرق او نجاتم ده» (جمالی، ۱۳۸۷: ۴۲)

لانی‌های مذهبی مختص مادران تازی

لانی‌هایی که نام کعبه یا مکه در آنها به کار رفته است

این دسته از لانی‌ها بیشتر متعلق به مادران اهل مکه و مناطق اطراف آن است. در لانی زیر علاوه بر نام کعبه، نام شهرهای مقدس مکه و مدینه نیز دیده می‌شود. این لانی یکی از

قدیمی ترین و بلندترین لائئیی های حجازی است:
«دوها یادوها/ والکعبه بنوها/ بئر زمزم
شربوها/ و مدینه زاروها/ با با سافر مکه/
وا شتری لی کیده/ والکیده جوت ال صندوق/ و
الصندوق یبغا مفتاح/ والمفتاح عند الحداد/
والحداد یبغا فلوس/ والفلوس عند النونو/
والنونو یبغا حلایب/ والحلایب عند البقره/
والبقره تبغا حشیش/ والحشیش فوق الجبل/
والجبل یبغا مطره/ والمطره جوی السحابه/
والسحابه عندک یا رب/ حطی حطی یا مطره»^{۴۲}
(www.mzmz4.com). در این لائئیی علاوه بر اینکه نام
اماکن مقدس بکار برده شده، به چرخه ی زندگی
نیز اشاره دارد که در نهایت آب را منشاء زندگی
و عامل ادامه ی حیات معرفی می کند که باید به
فرمان خداوند بر بندگان فرود آید.
در جای دیگر به مکه جان بخشیده شده که در حال
خوش آمدگویی به زائران کعبه است: «هللت مکه و
قلت مرحبا بالزائرین/ مرحبا بالشیخ فیکم و
الاطفال الراضعین/ هللت مکه و قلت مرحبا
بالزائرات/ مرحبا بالشیخه فیکن و البنات
الراضعات»^{۴۳} (www. Khaledtrm. net). لائئیی زیر به
حاجیان سرزمین وحی و سرزمین منی اشاره دارد:
«وامرحبا باللیل وامرحبا به/ وامرحبا
بالهاشمی و اصحابه/ وامرحبا باللیل لو قالوا
دنا دنی/ علی الحجاج لاوادی»^{۴۴} منی»^{۴۵}
(www.hdrmut.net). در این لائئیی تمام اماکن مربوط
به حج، زنده معرفی می شود تا درجه ی ارزش و
اعتبار آنها در نزد خداوند آشکار شود و فرزند
بداند که اگر در راه حق گام بردارد حتی اشیاء
نیز بر او درود می فرستد. بدین صورت یکی از
اعمال مسلمانان که حج است، به فرزند آموزش
داده می شود.

**لائئیی های که مادر فرزند را علاوه بر خداوند در
پناه پیامبران یا ائمه قرار می دهد**

لائی‌های مذهبی پارسی و تازی ۳۵
آموزه‌های دینی و اخلاقی در

در لائی زیر مادر عربی علاوه بر پروردگار از حضرت موسی(ع)، حضرت عیسی(ع) و حضرت محمد(ص) می‌خواهد تا نگه‌دار جگرگوشه‌اش باشند: «هولو/ هلولو/ یا بعد جبدي هلولو/ یرقد اوليدي و ینام/ في حفظ الی ما ینام/ في حفظ موسي و عیسی و النبی/ علیه الصلاه و السلام»^{۴۶} (سبیکه محمد خالد الخاطر، بی تا: ۸۸). لائی زیر از زبان مادری عراقی است که فرزندش را در پناه پروردگار و دوازده امام قرار می‌دهد که نشان از شیعه بودن مادر دارد. او اظهار ارادت به این بزرگان و استمداد از ایشان و خداوند را به فرزند تعلیم می‌دهد: «یا طیور و یا حمام/ دعو حمّودي تاینام/ ینام بالسلامه بحفظ الله و انتعش امام»^{۴۷} (ابوسعبد، ۱۹۸۲ م: ۲۸)

به کاربردن جمله ی لا اله الا الله

جمله‌ی "لا اله الا الله" از جملات کاربردنی لائی‌های مذهبی تازی است. با این جمله اولین اصل دین به نام "توحید" از کودکی با جسم و روان کودک آمیخته می‌شود و راه را برای تربیت اسلامی هموار می‌سازد. «لائی حجازی الرحمن یکی از قدیمی‌ترین لائی‌های این حوزه است: حسبی ربي جل الله/ ما في قلبي غير الله/ نور محمد صلي الله/ حق لا اله الا الله»^{۴۸}. این جملات به طور مستقیم از گوش کودک به قلبش رخنه می‌کند. قلب کودک با همان ریتمی می‌تپد که مادر لائی را می‌خواند و در ضمیر خودآگاه و ناخودآگاه کودک عجین می‌شود و او آرام آرام، به خواب فرو می‌رود. او در درون خود درمی‌یابد که پروردگار بزرگترین و قدرتمندترین موجود هستی است و حضرت محمد(ص) چون نوری است که زندگی او را روشنایی بخشیده است و راه زندگی را به او نشان می‌دهد. از چشمان کودک خواب می‌ریزد اما قلبش در حال جذب لائی است، حسبی ربي جل الله ما في قلبي غير الله...» (www.jaihoon.com). مادر قطری در لائی زیر، خداوند را یکتایی معرفی می‌کند، که شریکی ندارد: «هُوه

یا اولیدی هوه / لا اله الا الله / الله الله یا لوحدانی /
فرد واحد ماله ثانی / یحلف الذیب و یتحذر / ما
بقی لیوسف دمانی / الله الله یا الوحدانی^{۴۹}» (سبیکه محمد
خالد الخاطر، بی تا: ۸۸)

به کاربردن جملهی محمد رسول الله

یکی دیگر از ویژگی‌های لائیی‌های مذهبی عربی استفاده از عبارت "محمد رسول الله" است. اکثر این لائیی‌ها با اذعان به وحدانیت خداوند و حقانیت پیامبری حضرت محمد (ص) شروع می‌شوند. تمام نمونه‌های این قسمت از زبان مادران قطری است: «لا اله الا الله / محمد رسول الله / یرقد اولیدی ر قده هذیه / ر قده الغزلان فی البریه^{۵۰}» (سبیکه محمد خالد الخاطر، بی تا: ۸۵). در نمونه‌ی زیر مادر یکی از آداب حضور در محضر بزرگان را به فرزند تعلیم می‌دهد که آن، عدم خوردن و نوشیدن در حضور آنها است: «لا اله الا الله / محمد رسول الله / الله الله یا الهادی / محمد ساکن الوادی / لا شرب و لا زادی / علی حظه رسول الله^{۵۱} (همان: ۱۵). در نمونه‌ی زیر به اصل و نسب پیامبر (ص) اشاره شده است: لا اله الا الله / محمد رسول الله / الصلاه علی الذی / و السلام علی الرسول / الشفیع الابطحی / یا محمد یا عربی^{۵۲}» (همان: ۱۵-۱۷)

نتیجه

از آنجا که دین اسلام، دین مشترک بسیاری از ایرانیان و اعراب است، در میان لائیی‌ها نیز این تأثیر به وضوح نمایان است. مادران مسلمان تازی و پارسی، لائیی‌های مذهبی فراوانی با مضامین مشترک سروده‌اند. در این لائیی‌ها مادران به فرزندان آموزش می‌دهند که چگونه باید زندگی دینی و اخلاقی داشته باشند. آنان از کودکی در جان فرزندان این جام را می‌نوشانند که خداوند قدرت مطلق است و در همه‌ی احوال حتی در خواب انسان نیازمند حمایت و عنایت می‌باشد و باید از مریدان بزرگان دین بود. ایشان به اعمال اسلامی چون نماز و روزه در لائیی‌ها اشاره

می‌کند تا در زمان بزرگسالی این اعمال برایشان آشنا باشد و با اشتیاق انجام دهند. آنگاه مسیرشان از یکدیگر جدا می‌شود که پای مذهب، شرایط جغرافیایی، فرهنگی، اجتماعی و ... به میان می‌آید. بنا به اقتضای مذهب مادر فارسی در حین خواندن لانی ذکر حضرت علی (ع) را بسیار زمزمه می‌کند و به فرزند گوشزد می‌کند که در زمان سختی از ایشان کمک طلبد و نیز به فرزندش القاء می‌کند که از خدمتگزاران حضرت رضا (ع)، حضرت معصومه (س) و یا شاهچراغ (ع) باشد. ولی مادر عربی ساکن در مکه، نام کعبه و مکه را بر زبان جاری می‌سازد و به آنها جان می‌بخشد تا فرزند بداند حتی اجسام نیز بر روندگان راه حق درود می‌فرستند. جمله‌ی "لا اله الا الله" و "محمد رسول الله" از کاربردی‌ترین جملات در این نوع لانی‌ها است و این چنین حضرت محمد (ص)، فرستاده‌ی راستین الهی معرفی می‌شود.

پی‌نوشت‌ها

۱. ستاره ۲. نقش ۳. خداوند یگانه در خواب و شب عروسیت حافظ تو باشد/ خداوند یگانه و کتابهای آسمانی‌اش/ تو را از شیطان و حضورش حفظ کنند/ خداوند یگانه چشمان شور را کور کند/ خداوند یگانه حافظ تو باشد/ چشم خداوند نظاره گرتوست / به یاری خداوند هیچ شر و بدی به تو آسیب نرساند. ۴. لالا لالا، خدایی جز خدای یگانه نیست/ از شر خودم و شر مخلوقات خداوند/ و شر کسانی که نام خداوند را بر زبان نمی‌آوردند، بخدا پناه می‌برم/ بحق خداوند و حمایت‌های او/ و بحق صد و چهارده سوره قرآن/ تو را تا روز قیامت برایم حفظ کند. ۵. لا اله الا الله را بخش می‌کنم در جاهایی که شیطان حضور دارد/ صد و چهارده سوره ی قرآن/ تا روزی که درها بسته می‌شود - روز قیامت - تو را حفظ کند. ۶. ای خدا، ای خدا، ای همیشه ماندگار/ مراقب بنده‌ی در خواب فرو رفته ات باش/ بنده ات را حفظ کن و پناه ده/ تا در رختخوابش بخوابد. ۷. نام پیامبر چه زیبا است/ یاد پیامبر چه شیرین و دوست‌داشتنی‌است/ یاد پیامبر او را سرگرم می‌کند/ پیامبر قلب بیمار را شفا می‌دهد. ۸. ای مادرم نام و یاد پیامبر زینت بخش است/ ای محمد(ص)، ای سرمه چشمان/ ای مادرم خداوند مثل او را خلق نکرده است/ در آراستگی و شهرت او/ ای چشم محبوبم بخواب/ و از خوابت لذت ببر. ۹. وای بر من، وای بر من/ به حج رفت و مرا تنها گذاشت/ مرا در بیابان رها کرد/ دو بانویم حضرت زینب(س) و حضرت رقیه(س) هستند/ بانویم حضرت زینب(س) لباس سبز پوشیده است. ۱۰. بخواب، خواب خوشی داشته باشی/ همچون خواب آهوان در بیابان/ مانند خواب حضرت علی(ع) در کنار - حمایت و تربیت - حضرت خدیجه(س) / بخواب، خواب خوشی داشته باشی. ۱۱. بخواب، خوابت همراه سلامتی باد/ عافیت و سلامتی پابرنه به دنبال تو می‌آید. ۱۲. ای پروردگارم، پسرم را بزرگ کن/ تا نیازهای ما را برآورده کند/ برو ای کبوتر/ بیا ای کبوتر/ ای پروردگار، پسرم بخوابد/ و با سلامتی برخیزد. ۱۳. ای خدا، ریما بخوابد/ ای خدا، خواب به چشمانش بیاید/ ای خدا، هر روز سلامتی سراغش بیاید. ۱۴. بخواب و من برای تو آواز می‌خوانم/ و سلامتی از جانب خداوند به سراغت بیاید/ ای پرندگان، ای کبوتر/ ساکت شوید تا محمد بخوابد. ۱۵. بزرگ شوی ۱۶. سبقت بگیري ۱۷. ای خضر، ای خضر/ ان شاء الله بزرگ می‌شوی/ و ای خضر، استاد الازهر می‌شوی. ۱۸. آویشن ۱۹. برای ۲۰. لالا لالا، ای نور چشمم چه کسی تو را زده است/ ان شاء الله دو چشمش کور شود/ و مادر بچه‌هایش را طلاق دهد/ و قرضش زیاد شود/ لالا، لالا/ ای شکرم چه کسی تو را زده است؟/ ان شاء الله یادش در میان زنده‌ها نباشد/ و اگر زنده باشد چون پیرزنی دارای دختر/ و یا پیرمردی پشت خمیده باشد/ لالا، لالا/ هر که تو را زده خدا به او هفت دختر

لالایی‌های مذهبی پارسی و تازی
 دهد/ و روزی آنها مثل شتر کوچک - که فقط مصرف کننده
 اند - باشد/ و خودش دچار بیماری شتر شود و بمیرد.
 ۲۱. حسود. ۲۲. ای کسی که بسیار خوابش می‌آید
 بخواب/ چشم حسود پر از پیاز و سیر شود. ۲۳. شب
 ۲۴. ای خدا، ریما بخوابد/ ای خدا، خواب را به چشمانش
 بیاور/ ای خدا، او نماز را دوست دارد/ ای خدا، او
 روزه را دوست دارد. ۲۵. را ۲۶. یا الله، ای یکی
 یکدانه‌ی من- ای تنها فرزند من- / ای پروردگارم، ای
 بخشنده‌ی من، مرا از فضل خویش فراموش مکن. ۲۷.
 گهواره ۲۸. ضد آسیب است ۲۹. خیبر ۳۰.
 بزرگ ۳۱. سم ۳۲. نام اسب حضرت علی (ع) ۳۳.
 بر روی ۳۴. زمین ۳۵. بنا به یک اعتقاد قدیمی
 عرق حضرت ﷺ (ص) به زمین چکیده و گل روئیده است. البته
 برخی دیگر اعتقاد دارند، که گل از ناخن‌های حضرت به
 وجود آمده است. ۳۶. ای مادرم، ای ناز من/ امام
 علی(ع) از تو مراقبت کند/ و خداوند تو را حفظ نماید.
 ۳۷. حضرت ۳۸. بشوی ۳۹. تومان ۴۰. ساله
 ۴۱. نیست ۴۲. اسم صوت است/ کعبه ساخته شد/ توسط زمزم
 نوشانده شد/ مدینه مکه را دید/ بابا به مکه سفر کرد/
 برایم کیک خرید/ کیک داخل صندوق است/ صندوق کلید می
 خواهد/ کلید نزد آهنگر است/ آهنگر پول می خواهد/ پول
 نزد کودک است/ کودک شیر می خواهد/ شیر نزد گاو است/
 گاو علف می خواهد/ علف بالای کوه است/ کوه باران می
 خواهد/ باران داخل ابر است/ ای پروردگار ابر نزد تو
 است/ ای باران ببار ببار. ۴۳. مکه هلهله کرد و
 به زائران خوش آمد گفت/ و گفت پیرمرد و کودکان
 شیرخوار میان شما خوش آمدند/ مکه هلهله کرد و به زنان
 زائر خوش آمد گفت/ و گفت زن پیر و دختران شیرخوار
 میان شما زنان خوش آمدند. ۴۴. به احتمال زیاد
 عبارت لاوادی، لوادی بوده که به علت اشتباه تایپی
 این‌گونه نوشته شده و یا اینکه در لهجه کاربرد دارد.
 ۴۵. شب خیلی خوش آمد/ پیامبر و اصحابش خوش آمدند/
 خوشا به شبی که اگر بگویند/ بر حاجیان در سرزمین منی
 نزدیک شو، فرا می‌رسد. ۴۶. لالا لالا/ ای جگر گوشه‌ام
 فدایت شوم/ فرزندم می‌خوابد/ در پناه کسی که نمی‌خوابد،
 می‌خوابد/ در پناه حضرت موسی(ع)، حضرت عیسی(ع) و
 پیامبر(ص) می‌خوابد. ۴۷. بخواب و من برای تو آواز
 می‌خوانم/ و از خداوند سلامتی تو را خواهانم/ ای
 پرندگان، ای کبوتر/ ساکت باشید تا ﷺ بخوابد/ تا با
 سلامتی و در پناه خداوند و دوازده امام بخوابد.
 ۴۸. خداوند بزرگ و با عظمت مرا کافی است/ در قلبم غیر
 از خداوند وجود ندارد/ ﷺ (ص) نور است یا در قلبم غیر
 از خداوند و نور حضرت ﷺ (ص) چیزی وجود ندارد/ لا اله
 الا الله حقیقت دارد. این لالایی عربی باحروف انگلیسی نوشته
 شده بود که به عربی برگردان شده است و توضیحاتش به
 زبان انگلیسی بوده که به فارسی ترجمه شده است. ۴۹.
 فرزند کوچک من او همان است/ پروردگاری جز خدای یگانه

۴۰ فصلنامه تحقیقات تعلیمی و غنایی زبان و ادب فارسی دانشگاه
آزاد اسلامی - واحد بوشهر - زمستان ۱۳۹۰ ، (ش.پ:۱۰)
وجود ندارد/ خدا خدا یکتا است/ او یکی است و دومی
ندارد/ گرگ سوگند می خورد و برانت می جوید/ خون
پیراهن یوسف خون من نیست/ خدا خدا، ای یگانه ی من.
۵۰. خدایی جزء خدای یگانه وجود ندارد/ ﷺ (ص) رسول
خداست/ پسر عزیزم با آرامش می خوابد/ همچون خواب
آهوان در بیابان. ۵۱. خدایی جز خدای یگانه نیست/ ﷺ
رسول خداست/ خدا خدا، ای هدایت گر/ ﷺ ساکن مکه است/
در محضر رسول خدا آب نمی نوشم و غذا نمی خورم.
۵۲. پروردگاری جز پروردگار یگانه وجود ندارد/ ﷺ (ص)
رسول خدا است/ درود بر پیامبر/ سلام بر رسول/ شفیع
ابطحی/ ای ﷺ، ای شخص عرب.



کتابنامه (فهرست منابع و مآخذ)

الف- منابع فارسی

- ۱- انجوی شیرازی، سید ابوالقاسم. ۱۳۴۷. فرهنگ مردم و طرز گردآوری و نوشتن آنها. تهران: چاپخانه وزارت اطلاعات.
- ۲- امیری، رعنا و همکاران. زمستان ۱۳۸۷. تاثیر آوای لالایی بر درصد غلظت اشباع اکسیژن خون نوزادان نارس. مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند دوره ۱۵، شماره ۴.
- ۳- امین زاده، محمد رضا. ۱۳۷۴. فرهنگ تعلیم و تربیت اسلامی. قم: در راه حق.
- ۴- امینی، ابراهیم. ۱۳۷۴. اسلام و تعلیم و تربیت (۱). تهران: انجمن اولیاء و مربیان.
- ۵- احمد پناهی سمناهی، محمد. ۱۳۸۳. ترانه و ترانه سرایی در ایران. تهران: سروش.
- ۶- جاوید، هوشنگ. ۱۳۷۰. آواهای روح نواز مجموعه لالایی‌های ایرانی. تهران: حوزه‌ی هنری سازمان تبلیغات اسلامی.
- ۷- جمالی، ابراهیم. ۱۳۸۷. لالایی در فرهنگ مردم ایران. تهران: مرکز تحقیقات صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران.
- ۸- حسن لی، کاووس. پاییز و زمستان ۱۳۸۲. لالایی‌های مخملین‌نگاهی به خاستگاه و مضامین لالایی‌های ایرانی. مجله زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سیستان و بلوچستان، سال اول.
- ۹- خزاعی، حمیدرضا. ۱۳۸۴. لالایی‌ها. مشهد: ماه‌جان.
- ۱۰- زرگر، مسعود. ۱۳۸۴. جاودانه‌ها (۱). تهران: آتنا.
- ۱۱- سعیدی، سهراب. ۱۳۸۶. لالایی، بازی‌ها و سرگرمی‌های میناب. تهران: انتشارات ائیشن.
- ۱۲- سلیمی، علی. ۱۳۸۸. شبهای مادران. تهران: اوحدی.
- ۱۳- عمرانی، ابراهیم. ۱۳۸۱. برداشتی از لالایی‌های ایران. تهران: پیوند نو.
- ۱۴- فلسفی، محمد تقی. ۱۳۸۱. کودک از نظر وراثت و تربیت. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۱۵- قمی، عباس. ۱۳۷۹. مفاتیح الجنان. تهران: انتشارات کتاب یوسف.
- ۱۶- لریم، دل. ۱۳۵۳. فرهنگ مردم کرمان. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- ۱۷- مزرعتی، احمد. ۱۳۸۷. ترانه‌های قالی بافان، دو بیتی‌های عاشقانه و لالایی‌ها. تهران: دعوت.

- ۴۲ فصلنامه تحقیقات تعلیمی و غنایی زبان و ادب فارسی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد بوشهر - زمستان ۱۳۹۰، (ش.پ: ۱۰)
- ۱۸- مطهری، مرتضی. ۱۳۶۷. تعلیم و تربیت در اسلام. تهران: صدرا.
- ۱۹- مهاجری، زهرا. ۱۳۸۶. گل پسته. مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی.
- ۲۰- نوروزی رضا علی و راضیه بدیعیان. زمستان ۱۳۸۸. الگوی روابط انسانی در تربیت دینی با تاکید بر سیره ی امام حسین (ع). فصلنامه ی اندیشه ی دینی دانشگاه شیراز، دوره ۳۳.

ب- منابع عربی

۲۱. ابوسعده، احمد. ۱۹۸۲ م. اغاني ترقیص الاطفال عند العرب. بیروت: دارالعلم للملایین.
۲۲. عمر الدقاق، ۲۰۰۴ م. الترقیصات و الترنیمات فی اشعار الامهات. دمشق: دارالفکر.
۲۳. محمدخالد خاطر، سبیکه. بی تا. قیم التنشئه الاجتماعیه فی اغاني الام القطریه. دوحه: وزاره الاعلام والثقافه.

ج- سایتهای عربی

۴۴. www.afaqdubai.com/vb/showthread.php?p=۱۴۸۵۰ (۴۰۱۰۰۲/۲۱)
۲۵. www.albahaedu.gov.sa/vb/archivelindex.php/t-۶۲۶۲.html (۲۰۱۰۰۴/۱۹)
۲۶. www.alsabaah.com/paper.php?source=akbar&mlf=interpage&sid=۲۰۶۲۱ (۲۰۱۰۰۲/۱۹)
۲۷. www.hdrmut.net/an/alagane_alsh3byh.htm (۲۰۱۰۰۲/۲۰)
۲۸. www.jaalan.net/thaqFa/ahazeej.htm (۲۰۱۰۰۲/۲۰)
۲۹. www.jaihoon.com/۱۵۹.htm (۲۰۱۰۰۳/۲۲)
۳۰. www.khaledtrm.net/۱۷۴.html (۲۰۱۰۰۳۰۱)
۳۱. www.mzmz۴.com/vb/archive/t-۲۱۷۲.html (۲۰۱۰۰۲/۱۲)
۳۲. www.odabasham.net/show.php?sid=۱۱۴۴۰ (۴۰۱۰۰۴/۱۹)
۳۳. www.qlyat.net/show_thread.php?t=۳۱۵۷۵۵ (۲۰۱۰۰۲/۲۸)
۳۴. www.z6zz.com/vb/t۱۹۱۹۱.html (۲۰۱۰۰۳۰۲)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی